

## بررسی پایداری امنیت روستاهای مرزی استان سیستان و بلوچستان

دکتر حسین مختاری هشی<sup>۱\*</sup>، دکتر نرگیس وزین<sup>۲</sup>، دکتر مصطفی قادری حاجت<sup>۳</sup>

۱ استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه اصفهان

۲ مدرس جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان

۳ پژوهشگر قطب علمی جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۱۱/۱۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۸/۸

### چکیده

امنیت مفهومی است که تمامی شئون و ابعاد زندگی انسان را در بر می‌گیرد و تضمین کننده حیات و بقای اوست. واقعیت یافتن امنیت در محیط جغرافیایی، مستلزم اقدامات و برنامه‌ریزی‌های ویژه‌ای است و با مسائل زیادی از قبیل امنیت اقتصادی، امنیت سیاسی - نظامی، امنیت اجتماعی، امنیت بهداشتی، امنیت زیست محیطی و ... ارتباط دارد. بین امنیت و توسعه رابطه‌ای متقابل وجود دارد و امنیت پایدار معطوف به توسعه پایدار در سطوح منطقه‌ای، شهری و روستایی و تا سطح فردی است. استان سیستان و بلوچستان به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی، از نظر امنیت آسیب‌پذیری زیادی دارد و در سالهای اخیر شاهد افزایش خشونت و منازعات مسلحانه توسط گروه‌های ستیزه‌جو بوده است. اگرچه همواره ریشه ناآرامی‌های منطقه مسائل سیاسی دانسته می‌شود، اما نمی‌توان اثر محرومیت اقتصادی و پایین بودن شاخص‌های توسعه را نادیده گرفت و بطور کلی می‌توان گفت که ناامنی در بسترهای توسعه‌نیافته زمینه بروز بیشتری دارد.

با توجه به اینکه هنوز بیش از ۵۰ درصد جمعیت این استان در مناطق روستایی زندگی می‌کنند و رشد جمعیت روستایی در این استان نیز بالاست، لذا برای دستیابی به امنیت پایدار استان ضروری است که کاهش آسیب‌ها و تهدیدات امنیتی مناطق روستایی استان مورد توجه واقع شود و مسائل مهمی نظیر دستیابی به توسعه پایدار، امنیت فراگیر و عدالت اجتماعی مورد توجه قرار گیرد. از این رو مقاله حاضر به استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و به دنبال بررسی زمینه‌های ناپایداری امنیتی مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان می‌باشد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مناطق روستایی استان در ابعاد مختلف امنیت اقتصادی، اجتماعی و محیطی آسیب‌پذیر بوده و با چالش‌های متعددی روبرو می‌باشد. برای ایجاد امنیت پایدار در مناطق روستایی استان لازم است راهبرد توسعه روستایی مورد توجه قرار گیرد تا مفهوم امنیت - توسعه پایدار تحقق یابد.

**کلید واژه‌ها:** پایداری امنیت، مناطق مرزی، توسعه پایدار، مناطق روستایی، استان سیستان و بلوچستان

### ۱- مقدمه

امنیت یک مفهوم چند وجهی و عام است که تمامی شئون و ابعاد زندگی انسان را در بر می‌گیرد و با بقای

نفس و صیانت و موجودیت انسان پیوند می‌خورد. در واقع امنیت تضمین کننده حیات و بقای انسان و موجود زنده می‌باشد. به عبارتی حفظ وجود حیات سالم و آرامش بخش انسان موکول به تأمین همه نیازهای مادی و معنوی وی است که در صورت عدم تأمین یا وجود نقص و تنگنا در تأمین آن، حیات سالم و وجود انسان به چالش کشیده می‌شود و با تهدید روبه‌رو می‌گردد و بلافاصله نیاز به امنیت و مفهوم آن در ارتباط با نیاز یا نیازهایی که با تنگنا روبه‌رو شده در ذهن انسان شکل می‌گیرد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۲۵). امنیت امری استنباطی است که واقعیت یافتن آن در محیط، مستلزم اقدامات و برنامه‌ریزی‌های ویژه‌ای است این حکم فردی در مورد ملت‌ها و کشورها نیز جاری است و به آسانی می‌توان آن را در ابعادی منطقه‌ای و جهانی مطرح کرد. امنیت برای یک کشور عبارتست از داشتن یا به دست آوردن اطمینان نسبت به سلامت «موجودیت» و «مایملک»، نسبت به «اعتبار و موقعیت» و نسبت به همه آنچه زیر چتر «منافع ملی» قرار می‌گیرد (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۲۴). بین امنیت و توسعه رابطه‌ای متقابل وجود دارد. در عین حال که در سایه امنیت، آرامش و ثبات به وجود می‌آید، رشد و توسعه پایدار نیز معنی و مفهوم پیدا می‌کند. از جانب دیگر توسعه‌یافتگی، کشور را امن‌تر می‌کند و آن را در مقابله با چالش‌های امنیتی، توان‌تر می‌سازد. به همین دلیل کشورهای در حال توسعه، برای مقابله با چالش‌های عدیده‌ای که امنیت‌شان را تهدید می‌کند - در قیاس با کشورهای توسعه‌یافته - توانایی‌های محدودتری دارند (روحانی و دیگران، ۱۳۸۹). مفاهیم امنیت و توسعه در دهه‌های اخیر تغییر زیادی یافته‌اند، به طوری که امنیت در گذشته بیشتر به مفهوم مصون ساختن یک کشور در برابر تهاجم بیگانه و یا برخوردها و جنگ‌های داخلی بوده است؛ اما امروز این مفهوم، امنیت شغل، امنیت درآمد، امنیت فرهنگی و اجتماعی، امنیت قضائی، امنیت بهداشت، امنیت زیست محیطی، ایمنی از جرایم و جنایات و امثال اینها را نیز شامل می‌شود.

استان سیستان و بلوچستان به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی، مرزی بودن، مبادلات و پیوندهای فضایی دو سوی مرز، آسیب‌پذیری‌ها و تهدیدات مختلف در منطقه اهمیت ویژه‌ای را در برنامه‌های توسعه، امنیت و آمایش کشور یافته است. این استان محروم و توسعه‌نیافته در سال‌های اخیر شاهد افزایش خشونت و منازعات مسلحانه توسط گروه‌های ستیزه‌جو بوده است. پدیده قاچاق کالا به پدیده‌ای فراگیر تبدیل شده و قاچاق کالا و مواد مخدر به یک شغل نیمه‌رسمی تبدیل شده است. گرچه همواره ریشه ناآرامی‌های منطقه مسائل سیاسی دانسته شد، اما نمی‌توان اثر محرومیت اقتصادی و عدم دسترسی به نهادهای سیاسی را در ایجاد و گسترش ناآرامیها نادیده گرفت. چرا که ناامنی در بسترهای توسعه‌نیافته زمینه بروز بیشتری دارد. با تحولات رخ داده در نظام امنیت جهانی و مبانی قدرت، مفهوم امنیت ملی در حد صیانت از سرزمین دیگر پاسخگوی آسیب‌های جدید امنیتی نیست. لذا نیل به توسعه و رهایی از توسعه‌نیافتگی و کاهش تهدیدات امنیتی در تمامی سطوح روستایی، شهری، منطقه‌ای و ملی تنها گزینه برای افزایش ضریب امنیتی کشورها خواهد بود.

حوزه‌های روستایی با داشتن بخش عمده‌ای از جمعیت کشور به عنوان قاعده نظام سکونت و فعالیت ملی، نقش اساسی در توسعه ملی ایفا می‌کند، توسعه پایدار سرزمین در گرو پایداری نظام روستایی به عنوان زیر نظام تشکیل دهنده نظام سرزمین است، و پایداری فضاهای روستایی در ابعاد مختلف نقش مؤثری در توسعه منطقه‌ای و ملی دارد. اگر به دلایلی نظام روستایی قادر به ایفای نقش خود در نظام ملی و سرزمینی نباشد، در آن صورت پیامدهای

مسایل روستایی در حوزه‌های شهری و در کل سرزمین گسترش می‌یابد (رضوانی، ۱۳۸۳: ۲). لذا برای تحقق توسعه پایدار که به نوعی متضمن تقویت و یکپارچگی هویت و امنیت ملی نیز است، ضرورت دارد تا مناطق دور افتاده و محروم در سطح ملی در اولویت قرار گرفته و از حقوق توسعه‌یافتگی برخوردار باشند (طالب، ۱۳۸۴: ۲۲۶).

براساس آمار سال ۱۳۸۵ از ۲۴۰۵۷۴۲ نفر از جمعیت استان سیستان و بلوچستان، ۱۲۰۶۵۴۷ نفر برابر با ۵۰٫۴ درصد در مناطق روستایی ساکن می‌باشند و نسبت به دهه قبل با رشد ۲٫۷ درصد بیشترین رشد جمعیتی را در کشور داشته است. لذا برای دستیابی به امنیت پایدار استان ضروری است که کاهش آسیب‌ها و تهدیدات امنیتی این حوزه جمعیتی استان مورد توجه واقع شود و مسائل مهمی نظیر دستیابی به توسعه پایدار، امنیت فراگیر و عدالت اجتماعی مورد توجه قرار گیرد. از این رو مقاله حاضر با مد نظر قرار دادن ابعاد مختلف امنیت و همچنین رابطه متقابل امنیت و توسعه و همچنین سهم بالای جمعیت روستایی استان سیستان و بلوچستان، به دنبال بررسی زمینه‌های ناپایداری امنیتی مناطق روستایی این استان می‌باشد.

## ۲- روش تحقیق

روش تحقیق پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و برای جمع‌آوری اطلاعات از شیوه کتابخانه‌ای بر پایه داده‌های آماری سالنامه‌ها و برای تحلیل اطلاعات نیز از روشهای کمی و در مواردی نیز از روشهای کیفی استفاده شده است. همچنین شاخص‌های مورد بررسی عبارت بودند از: شاخص‌های امنیتی - توسعه در قالب چهار بعد امنیتی اقتصادی (نظیر اشتغال، فقر)، محیطی - جغرافیایی (مخاطرات طبیعی، بهداشت محیط)، اجتماعی (مهاجرت، سواد) و سلامتی - غذایی (مرگ و میر، امید به زندگی).

## ۳- مبانی نظری

### ۳-۱- تحول مفهوم و ابعاد امنیت

امنیت یک مفهوم چند وجهی است و به همین جهت درباره معنای آن اختلاف زیادی وجود دارد. تعاریف مندرج در فرهنگ‌های لغت درباره مفهوم کلی امنیت، بر روی «احساس آزادی از ترس» یا «احساس ایمنی» که ناظر بر امنیت مادی و روانی است، تأکید دارند (ماندل، ۱۳۷۷: ۴۴). مفهوم امنیت در گذشته به حفاظت از مرز و سرزمین از تهدیدات خارجی با استفاده از قدرت نظامی مربوط می‌شد (Abatudu, 2001). سلطه‌گری به‌مراه تهدیدات غیرنظامی شامل تخریب محیط، فقر، مهاجرت‌های اقتصادی، مناقشات بر سر منابع، گسترش مواد مخدر مباحث جدیدی در مورد معنی امنیت پدید آورد (Jolly & BasuRay, 2007). ریشه امنیت انسانی و ارتباط توسعه و امنیت را می‌توان قبل از دهه ۱۹۶۰ جستجو کرد، زمانی که دامنه حقوق‌ها در بیانیه جهانی حقوق بشر، توسعه اقتصادی را در بر گرفت. تحول بعدی در دهه ۱۹۷۰ رخ داد، زمانی که «امنیت غذایی» توسط سازمان‌های امنیت غذایی و کشاورزی بکار رفت (Hampson, 2002). در دهه‌های ۷۰ و ۸۰، جوامع از توسعه اقتصادی با تمرکز بر تئوری مدرنیزاسیون بسوی مدل توسعه انسانی و تئوری‌های عدالت اجتماع محور پیش رفتند و در کمیسیون جهانی برانتلند سال ۱۹۸۷ به اوج رسید. در این گزارش فصلی به صلح، امنیت، توسعه و محیط اختصاص یافت (Donaghy, 2003). در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ دیدگاه «تأمین نیازهای اساسی» جایگزین اقدامات کلان اقتصادی شد و زمینه تمرکز امنیت بر افراد را بعنوان واحد تحلیل امنیت قرار داد (McArthur, 2007: 48). نقطه اصلی تغییر جهت در بحث امنیت گزارش توسعه انسانی سال ۱۹۹۴ بود (Donaghy, 2003) و اولین بار عبارت «امنیت انسانی» وارد بحث امنیت جهانی شد و بعنوان تضمین‌کننده «آزادی از ترس و خواستن»، ابزاری مؤثر برای مقابله با ناامنی جهان مطرح شد (Wiafe-Amoako, )

55: 2010). «برنامه توسعه سازمان ملل متحد» در دستور جلسه امنیت بین‌المللی درباره انتقال «از تمرکز بر سرزمین به تمرکز بر افراد» و «از امنیت با تسلیحات به امنیت با توسعه پایدار» بحث کرد (Hampson, 2002)، که آشکارا پیوند بین امنیت و توسعه ترسیم شد و راه‌حل نظامی برای حل مشکلات امنیتی به حاشیه رفت (McArthur, 2007: 48). جدول شماره ۱ روند تحول مفهوم امنیت در طی زمان را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱: روند تحول مفهومی و ابعاد امنیت در مکاتب فکری

مکتب و دوره	بنیان فکری	ابعاد
واقع‌گرایان - بعد جنگ جهانی دوم	- «موازنه قدرت» بهترین راه برای حفظ صلح است. امنیت کشورها با قدرت نظامی گره خورد و تقویت قوای نظامی و ابزارهای تسلیحاتی ضامن اصلی حفظ امنیت دولتها بود.	نظامی
نوکارکردگرایان و سازه‌انگاران - نیمه دوم قرن ۲۰	- اقتصاد محوری کلیدی در استراتژی‌های امنیتی است. - علاوه بر ساختارهای مادی، توجه به ساختارهای غیرمادی، فکری و هنجاری. - توجه به نقش عواملی غیر از توان نظامی در تقویت امنیت کشورها	نظامی اقتصادی
توسعه پایدار - دهه ۱۹۸۰ تاکنون	- رد تأکید یک جانبه به تقویت سیاست‌ها و نهادهای نظامی برای تحکیم امنیت. - بهبود جایگاه امنیتی کشور با تقویت اقتصاد و ساختارهای سیاسی و فرهنگی. - راهکار توسعه همه جانبه برای افزایش ضریب امنیتی و توان مقاومت کشور. - اتخاذ استراتژی‌هایی برای غلبه بر آسیب‌های سیاسی، اقتصادی و ...	نظامی اقتصادی اجتماعی محیطی و ...

نگارنده‌گان با توجه به منابع در دسترس

به گفته «برنامه توسعه سازمان ملل متحد» مفهوم امنیت تمرکز را از امنیت ملی بر امنیت فردی، و مسائلی چون فقر، تروریسم، تخریب محیط بعنوان تهدیدات امنیتی هدایت می‌کند؛ و بر بعد «آزادی از ترس و خواستن» و «حقوق بشر» اشاره دارد (UNDP, 1994: 22) که به گفته کمیسیون امنیت انسانی، به معنی حفاظت از نیازهای اساسی زندگی انسانهاست، به شیوه‌ای که آزادی فردی و دستیابی به زندگی شرافتمندانه را ممکن سازد. و به معنی حفاظت مردم از تهدیدات و توسعه سیستم‌های سیاسی، اجتماعی، محیطی و اقتصادی است (CHS, 2003: 4). امروزه دامنه امنیت علاوه بر مسائل نظامی به ابعاد اقتصادی، غذایی، سلامتی، محیطی، فردی، اجتماعی و سیاسی قابل تقسیم است (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲: ابعاد مختلف امنیت و تهدیدات امنیتی علاوه بر بعد نظامی

ابعاد امنیت	نمونه‌هایی از تهدیدات اصلی
اقتصادی	فقر و توسعه‌نیافتگی مهمترین چالش‌های اقتصادی می‌باشند که ممکن است ناشی از سوء مدیریت نظام سیاسی داخلی یا از تخصیص ناعادلانه ثروت باشد. بیکاری و تبعات ناشی از آن
غذایی	گرسنگی و قحطی
سلامتی	بیماری‌های عفونی کشنده، غذای ناسالم، سوء تغذیه، فقدان دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی اولیه
زیست محیطی	به معضلاتی چون تخریب و آلودگی محیط زیست، کاهش منابع طبیعی، سوانح طبیعی، تخریب لایه اوزون، گرم شدن تدریجی زمین، از بین رفتن جنگل‌ها، قحطی و خشکسالی و ... اشاره دارد.
اجتماعی	رشد زیاد جمعیت؛ انفجار جمعیت و تراکم در کلان‌شهرها؛ مهاجرت‌های بی‌رویه؛ تنش‌های نژادی، مذهبی و هویتی؛ بی‌سوادی؛ آسیب‌های اجتماعی شامل اعتیاد، شیوع بیماری‌های خطرناک؛ جرم
سیاسی	در سطح داخلی شامل مسائلی چون فقدان دموکراسی، بی‌ثباتی حکومت‌ها، سرکوبی سیاسی، تجاوز و نقض حقوق بشر؛ برخوردهای قومی، فرقه‌ای و مذهبی، گسترش تروریسم؛ منازعات و جنگ‌ها می‌باشد.

(CHS, 2003: 7; Jolly & BasuRay, 2007; هندیانی، ۱۳۸۶: ۲۵؛ بوزان، ۱۳۷۸)

## ۲-۳- امنیت از دیدگاه رویکردهای مختلف

۱-۲-۳- دیدگاه توسعه‌ای: این دیدگاه رویکرد کل‌نگر به امنیت دارد و امنیت انسانی را با توسعه انسانی ترکیب می‌کند (Akokpari, 2007). این دیدگاه همه شاخص‌های توسعه انسانی نظیر آزادی سیاسی، فقر و نابرابری درآمد، آموزش، سلامت، موضوعات جنسیت و مسائل زیست محیطی تهدید کننده رفاه بشری را ارائه می‌دهد. فرض دیدگاه بر این است که افزایش ظرفیت مردم سرانجام آنها را توانا خواهد ساخت تا کیفیت زندگی‌شان را بهبود دهند (Oyoo, 2010: 29).

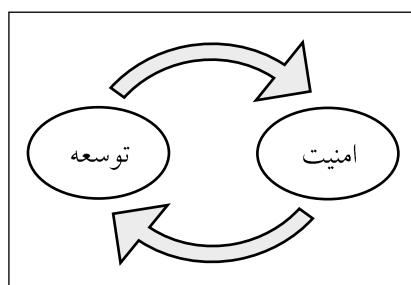
۲-۲-۳- دیدگاه فمینیستی: بر جنبه‌های جنسیتی امنیت انسانی تأکید دارد. رویکرد نظامی دولتی را برای امنیت رد می‌کند (Tickner, 2001). این حقیقت که زنان نقش مهمی در توسعه دارند، توجه به رویکرد فمینیستی برای امنیت را نشان می‌دهد (Akokpari, 2007). و مفاهیمی در مورد آسیب‌پذیری زنان به تهدیدات امنیتی بخصوص فقر، بیماری و تعارض را رشد می‌دهد (UNDP, 1994). از نظر این دیدگاه در امنیت انسانی باید به مسائل فیزیکی، ساختاری و اکولوژیکال بیشتر توجه کرد تا امنیت نظامی. رابینسون (۱۹۹۹) برای دستیابی به امنیت انسانی از رویکرد انتقادی و فمینیستی بدلیل یکپارچه کردن محرومیت اقتصادی با خشونت در چارچوب اکولوژیکال و هنجاری حمایت می‌کند، که در مفهوم‌سازی امنیت انسانی مهم است (Oyoo, 2010: 35).

۳-۲-۳- دیدگاه زیست محیطی: ادبیات محیط و امنیت از دهه ۱۹۷۰ رشد یافت، ابتدا بر اثر فعالیتهای نظامی بر محیط و از دهه ۱۹۹۰ بر اثر مسائل زیست محیطی بر امنیت تمرکز یافت (Brauch, 2005) این رویکرد بر ارتباط بین تخریب محیط و درگیری‌ها، نقش حفاظت محیط در پیشبرد صلح تأکید دارد. محیط را جزء کلیدی در تقویت ظرفیت‌ها و توسعه انتخاب مردم تصدیق می‌کند. بیشتر با تخریب محیط در ارتباط است، بحث می‌کند که تخریب محیط باعث فقر شده، مردم را از نظر شغل، درآمد و سلامت آسیب‌پذیر می‌کند، باعث کمیابی منابع و در نتیجه رقابت و درگیری می‌شود (Homer-Dixon, 1999). اهمیت این دیدگاه در مورد آسیب‌پذیری جوامع به تخریب محیط است و بر اهمیت درک روابط بین محیط و فرایندهای اجتماعی، و واقعیت آسیب‌پذیری فقرا به تخریب محیطی تأکید دارد (Najam, 2003). و با رفاه و بقاء مردم و محیط در ارتباط است.

## ۳-۳- امنیت پایدار و توسعه

توسعه ملی فرایند توسعه همه‌جانبه‌ای است که در ابعاد گوناگون توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اکولوژیکی و ارتباطات متقابل آنها را در برمی‌گیرد، به گونه‌ای که هر کدام از ابعاد این فرایند در ارتباط مستمر با ابعاد دیگر قرار دارند و کنش و واکنش و تأثیر و تأثر متقابل یکدیگر را کامل و یک پیکره واحدی به نام توسعه ملی را پدید می‌آورند. (نظرپور، ۱۳۷۸: ۵۰). توسعه و امنیت دارای رابطه متقابل می‌باشند. از یکسو هر جا که امنیت باشد، توسعه پدیدار می‌شود و فراهم آمدن امنیت ملی، یکی از بسترهای مناسب جهت توسعه ملی می‌باشد؛ از سوی دیگر هر جا که توسعه باشد، امنیت وجود دارد، و توسعه و حرکت به سوی آن به تقویت مبانی قدرت ملی و در نتیجه امنیت ملی در کشور می‌انجامد (شکل ۱). زمانی که در یک جامعه امنیت نباشد، امکان سرمایه‌گذاری وجود نخواهد داشت و کاهش سرمایه‌گذاری موجب تعمیق عقب‌ماندگی خواهد شد. در مقابل، عدم توسعه‌یافتگی در یک ناحیه، ناامنی‌های اجتماعی و

فرهنگی شدیدی به همراه خواهد آورد. وجود بی‌عدالتی‌های جغرافیایی و توسعه نامتوازن بخشهای جغرافیایی کشور ممکن است موجب آسیب همبستگی و وحدت ملی شده و منجر به بروز تحرکات واگرایانه بویژه در مناطق قومی شود (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۸: ۲۹).



شکل شماره ۱: روابط متقابل توسعه و امنیت (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۹)

هانتینگتون دربارهٔ زمینه اثرات متقابل عدم وجود توسعه سیاسی و اقتصادی می‌گوید: «جای هیچ تردید نیست که میان خشونت و عقب افتادگی اقتصادی رابطهٔ تنگاتنگی وجود دارد. فقر بالای حال هرگونه حکومت و فقر عامل ناپایداری و ناستواری و بی‌ثباتی است و به هیچ وجه نمی‌گذارد دموکراسی که در امر توسعه شدیداً مورد نیاز است، در جامعه استقرار یابد» (مختاری، ۱۳۸۵: ۳۶). مک نامارا<sup>۱</sup> در این خصوص می‌گوید میان عدم امنیت و عقب ماندگی اقتصادی رابطه‌ای تنگاتنگ وجود دارد؛ وی معتقد است ریشه هرگونه عدم امنیت و بی‌ثباتی فقر می‌باشد وی فقر را بالای جان حکومت‌ها دانسته و می‌گوید در یک جامعه در حال مدرن شدن امنیت باعث توسعه است و بدون توسعه هیچگونه امنیتی نمی‌تواند وجود داشته باشد (راستی و رحیمی، ۱۳۸۷: ۱۴۸).

واحد امنیت انسانی سازمان ملل ابعاد و شاخص‌های جدول ۴ را برای عملیاتی کردن و ارزیابی سطح آسیب‌پذیری امنیتی ارائه داد.

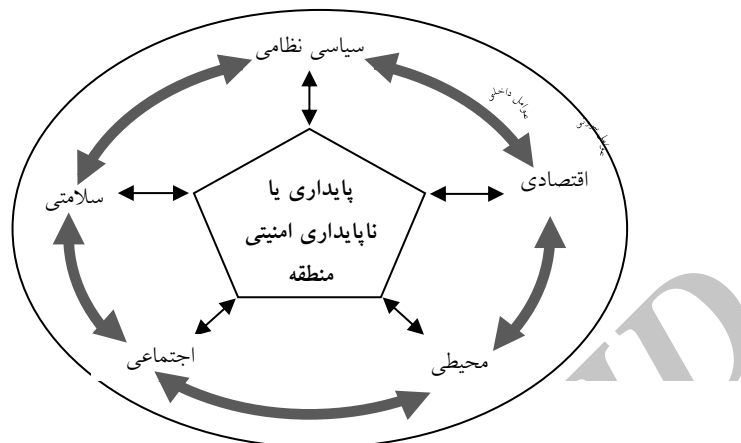
جدول شماره ۳: ابعاد و شاخص‌های امنیت انسانی از دیدگاه HSU (۲۰۰۹)

ابعاد	شاخص
اقتصادی	تضمین دسترسی به درآمدهای پایه؛ اشتغال بخش دولتی و خصوصی، دستمزد، اشتغال، خوداشتغالی؛ شبکه‌های امنیت اجتماعی مالی دولتی.
غذایی	بهره‌مندی از مواد غذایی از طریق تولید غذا، داشتن قدرت خرید و یا سیستم توزیع غذای عمومی.
سلامتی	دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی اولیه و خدمات بهداشتی؛ ارتباطات بین سیستم‌های مراقبت برای شناسایی شیوع بیماری در همه سطوح.
زیست محیطی	شیوه‌های پایدار که محاسبه تخریب محیط و منابع طبیعی (جنگل‌زدایی، کویرزدایی) را بکار گیرد؛ هشدار اولیه و مکانیسم واکنش به مخاطرات طبیعی و سوانح انسان‌ساخت در همه سطوح
فردی	حکومت قانون؛ حمایت آشکار و اجباری از حقوق بشر و آزادی‌های مدنی
اجتماعی	حمایت از گروه‌های نژادی و هویت اجتماعی؛ حمایت از تبعیض گروه‌های نژادی، بومی و مهاجر
سیاسی	حمایت از حقوق بشر؛ سرکوبی سیاسی، شکنجه، عملیات شرارت، بازداشت‌های غیرقانونی

(Baker, 2010: 26)

<sup>1</sup> - Mcnamara

تئوری امنیت انسانی، عناصر امنیتی سیاسی، مدنی، اقتصادی، و فردی را در محور قرار می‌دهد و می‌تواند برای ارزیابی امنیت ملی پاسخگو باشد (Zacarias, 2003: 43). لذا برای امنیت پایدار باید تمامی آسیب‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی توجه شده و با تحلیل امنیت از منظرهای درونی و بیرونی درصد رفع آن برآیند.



شکل شماره ۲: مدل مفهومی امنیت پایدار

#### ۴-۳- ضرورت امنیت پایدار و توسعه در مناطق روستایی مرزی

عدم توسعه هر یک از مناطق می‌تواند امنیت انسانی و امنیت ملی را با چالش مواجه کند، این مسأله در خصوص مناطق حاشیه‌ای و مرزی اثری مضاعف دارد چرا که اگر مناطق حاشیه‌ای از توسعه عقب بمانند و دولتمردان یک کشور مشکلات و مسائل مردمان حاشیه را در حاشیه حل نکنند ناگزیر مهاجرت از حاشیه به مرکز رخ خواهد داد که این مهاجرت هم بعد عینی و هم بعد روانی دارد. به طوریکه مهاجران حاشیه مشکلات حاشیه را به مرکز خواهند آورد و در فاصله‌ای نزدیک‌تر به مرکز، حاشیه‌ای نوین خواهند آفرید که خطرات امنیتی این حاشیه‌ها ده‌ها برابر حاشیه نوع قبل می‌باشد. بعلاوه خالی شدن مناطق مرزی و حاشیه‌ای کشور از جمعیت، آسیب‌پذیری مرزها و امنیت انسانی و ملی کشور را افزایش می‌دهد (راستی و رحیمی، ۱۳۸۷). تجربیات کشورهای درحال توسعه در سه دهه اخیر نشان می‌دهد که توسعه مبادلات مرزی در قالب‌های مقررات و قوانین حقوقی می‌تواند محرک خوبی برای افزایش مبادلات کالا به صورت رسمی و جهت‌دهی تجارت به سمت مزیت‌های نسبی، گسترش همکاری‌های همه‌جانبه بین مناطق آزاد، توسعه بازارچه‌های مرزی بین منطقه‌ای، ایجاد سودهای - تجاری، کاهش قیمت کالاها، همگرایی میان عرضه و تقاضا و ایجاد درآمد، اشتغال و امنیت برای مرزنشینان گردد (محمودی، ۱۳۸۴: ۱۰۸ و ۱۰۷). به سخن دیگر توسعه‌یافتگی اقتصادی مناطق مرزی و رفاه نسبی در این مناطق می‌تواند موجبات کاهش برخی از مشکلات مرزی از قبیل قاچاق کالا، مواد مخدر، سرقت و... را فراهم کرده و از تخلیه جمعیتی مناطق مرزی جلوگیری نماید (محمدپور، ۱۳۸۱: ۴). وجود محرومیت‌های شدید اقتصادی و میزان بالای بیکاری در مناطق مرزی در افزایش عبور غیر مجاز افراد، قاچاق کالا و سایر اموری که با امنیت منافع ملی کشورها در تضاد است در شکل‌گیری اقدامات توسعه‌ای از جمله بازارچه‌های مرزی مؤثر بوده است. براساس تحقیقات انجام شده، امنیت و توسعه در مناطق مرزی با ضریب همبستگی بالا دارای رابطه‌ای مستقیم و دوسویه با یکدیگر می‌باشد. به گونه‌ای که هر اقدامی در فرایند تحقق توسعه تأثیرات مستقیمی بر فرایند تحقق امنیت می‌گذارد و بالعکس. به این ترتیب مناطق دارای شاخص‌های بالای توسعه از

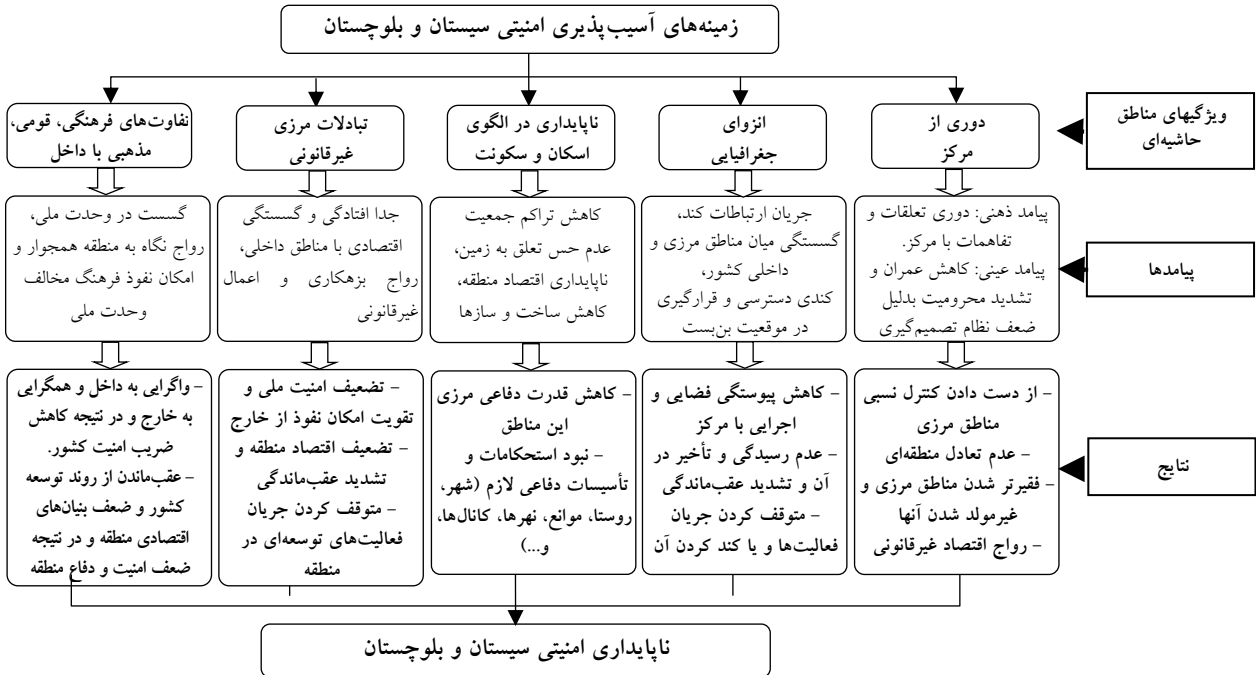
ضرایب امنیتی بالاتری نسبت به مناطق توسعه‌نیافته‌تر برخوردارند (عندلیب، ۱۳۸۰: ۱۹۶). عدم توسعه هر منطقه جغرافیایی، ناامنی‌های شدیدی به همراه خواهد داشت و امنیت انسانی و ملی را با چالش مواجه می‌کند. بی‌عدالتی جغرافیایی و توسعه نامتوازن بخشهای جغرافیایی کشور ممکن است موجب آسیب به وحدت ملی شود (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۸۶). کشورهای در حال توسعه دارای مشکلات امنیتی خاص خودشان هستند و از این جهت، ریشه‌های تهدیدات امنیت ملی ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه را باید در درون آن جستجو کرد. نارسایی‌های اقتصادی و اجتماعی مانند فقر، محرومیت، بیکاری، تبعیض در زمینه توسعه‌یافتگی استان‌های مختلف، طبقاتی شدن سطح زندگی مردم، رشوه خواری، فساد اداری و... باعث می‌شود که همبستگی و وحدت ملی در کشور دچار سستی و ناهمگنی گردد و از طرف دیگر، وابستگی به خارج همراه با سایر تهدیدات، پیوندی میان آسیب‌پذیری‌های داخلی و تهدیدات خارجی ایجاد و در نهایت امنیت ملی به مخاطره افتد. بر این اساس می‌توان گفت، استراتژی ملی ایران در زمینه توسعه و امنیت باید معطوف به این نکته باشد که سطح توسعه‌نیافتگی استان‌های محروم و حاشیه‌ای به سطح استان‌های برخوردار برسد، فقر و محرومیت کاهش یابد و سرمایه‌گذاری‌های تولیدی و صنعتی افزایش یابد تا هم زمینه‌های ذهنی تضعیف همبستگی ملی از بین برود و هم در مسایل عینی، مشکلاتی را که بر کلان‌شهرها و کل کشور تحمیل کرده است از بین ببرد.

#### ۴- یافته‌های تحقیق

##### ۴-۱- زمینه‌های ناپایداری امنیتی استان سیستان و بلوچستان

نواحی روستایی استان سیستان و بلوچستان بخصوص در منطقه مرزی علاوه بر شرایط خاص خود و تأثیرپذیری از شرایط کشور، متأثر از ویژگی‌های خاص مناطق مرزی نیز است که موجب بروز مشکلاتی در منطقه شده، که می‌تواند تهدیدی برای توسعه و امنیت باشد. در بیان ویژگی‌های منطقه با تأکید بر مناطق مرزی که ضرورت مطالعه و برنامه‌ریزی در منطقه را نشان می‌دهد، معمولاً به موارد زیر اشاره می‌شود. یکی از ویژگی‌ها دوری از مرکز کشور است. مشخصه دیگر انزوای جغرافیایی است، که ناشی از انطباق مفاهیم اقتصادی (با مفهوم جدایی از ساختار اقتصادی کشور یا منطقه قابل تفسیر است) و جغرافیایی بر یکدیگر است. دیگری ناپایداری در الگوی اسکان و سکونت است که به دو دلیل می‌باشد: بنحاضر شرایط جغرافیایی بر نحوه استقرار، این مناطق عمدتاً متکی بر اقتصاد معیشتی و رمه‌گردانی می‌باشد و شرایط ناامن (محل نزاع‌های نظامی، امنیتی) جمعیت بتدریج به محل‌های امن‌تر کوچ می‌کنند. مشخصه دیگر تبادلات مرزی غیرقانونی است. و پدیده دیگر تفاوت‌های فرهنگی، قومی، مذهبی با مناطق داخلی کشور است که در دوره‌های تاریخی تحت عوامل متعددی ایجاد و یا تقویت شده است (عندلیب، ۱۳۸۰؛ دهنوی، ۱۳۸۸).





شکل شماره ۳: ویژگیهای سیستان و بلوچستان و آسیب‌پذیری‌های امنیتی ناشی از آن

## ۲-۴- وضعیت شاخص‌های امنیتی مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان

همچنانکه گفته شد، امنیت پایدار برآیند کاهش آسیب‌ها و تهدیدات در همه ابعاد امنیت است و ناپایداری در هر بعد زمینه ناامنی را فراهم می‌کند. برای تحلیل ناپایداری امنیتی مناطق روستایی استان از مهمترین شاخص‌های امنیتی - توسعه‌ای در چهار بعد امنیتی اقتصادی، اجتماعی، محیطی و سلامتی استفاده شد که در ادامه بدان پرداخته می‌شود.

### ۱-۲-۴- وضعیت شاخص‌های امنیت اقتصادی در مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان

تهدیدات اقتصادی یعنی فقر و نابرابری اقتصادی مهمترین بستر تهدیدات امنیتی است. میان فقر و سوء رفتارهای اجتماعی ارتباط وجود دارد؛ مثلاً فقر از طریق عوامل دیگر چون خشم و سوء تغذیه (از علل جرم)، با جرم ارتباط دارد. و بدلیل آثار فقر و سوء تغذیه بر هوش و بلوغ فکری و نیز میزان آگاهی، می‌توان رابطه معناداری بین فقر و جرم تصور کرد (رهنمایی و پورموسوی، ۱۳۸۵). دیگر شاخص مهم امنیت اقتصادی، چگونگی توزیع درآمدهاست که بعنوان عامل مؤثر در ایجاد اختلاف سطح زندگی و شکاف‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و بروز فقر مورد توجه است. مهمترین شاخص‌های توزیع درآمد در جامعه، شاخص‌های نابرابری درآمدی است که عدم توزیع مناسب درآمد در یک جامعه را نشان می‌دهند. مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان درخصوص دو شاخص فقر و توزیع درآمد در شرایط نامطلوبی قرار دارند. در خصوص شاخص فقر براساس آمار سال ۱۳۸۶، ۴٫۵ درصد جمعیت زیر خط فقر با درآمد کمتر از یک دلار در روز می‌باشند و در مورد شاخص توزیع درآمد، ضریب توزیع درآمد جینی<sup>۱</sup> در مناطق روستایی استان ۰٫۳۸۷۹ بوده که نشان دهنده نابرابری بالای درآمد است. از نظر رفاه

<sup>۱</sup> عددی است بین صفر و یک، صفر به معنی توزیع کاملاً برابر درآمد و یک به معنی نابرابری مطلق در توزیع است.

اقتصادی نیز مناطق روستایی استان از سطح بسیار پایینی برخوردار هستند. در سال ۱۳۸۸ برحسب شاخص درآمد سرانه<sup>۱</sup>، میزان درآمد سرانه ۸۴۵۹,۷ هزار ریال و مقدار شاخص نسبت هزینه‌های غیرخوراکی به خوراکی<sup>۲</sup> ۱,۱ بوده است. دیگر شاخص مهم، اشتغال و وجود فرصت‌های شغلی در جامعه است و از پیامدهای کمبود آن روی آوری به مشاغل کاذب و غیررسمی و غیرقانونی برای تأمین درآمد می‌باشد. در خصوص شاخص‌های اشتغال و بیکاری در سال ۱۳۸۵ درصد جمعیت شاغل در مناطق روستایی ۵۷,۹ و درصد جمعیت بیکار ۴۲,۱ می‌باشد. نرخ بیکاری جوانان در سنین ۲۴-۱۵ ساله هم در استان بالا و بیش از ۵۰ درصد است.

جدول شماره ۴: وضعیت شاخص‌های امنیتی اقتصادی در مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان

ابعاد	شاخص	سال	استان	میانگین کشور	رتبه در کشور
عدالت اقتصادی	درصد جمعیت زیر خط فقر (درآمد روزانه زیر یک دلار)	۱۳۸۶	۴,۵۳	۰,۴۲	۱ (-)
	ضریب جینی براساس هزینه ناخالص سرانه روستایی		۰,۳۹۸۹	۰,۳۹۲۳	۲۶ (-)
رفاه اقتصادی	درآمد سرانه خانوارهای روستایی (هزار ریال)	۱۳۸۸	۸۴۵۹,۷	۱۲۳۶۷,۴	۲۹ (-)
	نسبت هزینه‌های غیرخوراکی به خوراکی		۱,۱	۱,۷	۳۰ (-)
وضعیت فعالیت	نرخ اشتغال (درصد)	۱۳۸۵	۵۷,۹	۸۵,۳	۳۰ (-)
	نرخ بیکاری (درصد)		۴۲,۰۸	۱۴,۷	۱ (-)
	نرخ بیکاری جوانان در سنین ۱۵-۲۴ ساله (درصد)		۴۹,۱	۲۸,۰۱	

(ماخذ داده‌های خام: سرشماری کشور و استان، ۱۳۸۵ و توزیع درآمد در خانوارهای روستایی، ۱۳۸۸)

## ۲-۲-۴- وضعیت شاخص‌های امنیت اجتماعی در مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان

جمعیت و جوانی جمعیت در شرایط اقتصادی نامناسب به عنوان تهدید تلقی می‌گردد. برخلاف روند تحولات کشور که جمعیت شهری بر روستایی پیشی گرفته ولی در استان همچنان جمعیت روستایی بیش از جمعیت شهری است و بیش از ۵۰ درصد جمعیت استان در روستاها ساکن هستند. بعلاوه مناطق روستایی دارای ساختار جمعیتی جوان است و ۴۰,۷ درصد جمعیت روستایی در گروه سنی ۱۴-۰ قرار دارند. دیگر شاخص ناامنی و توسعه‌نیافتگی رشد بالای جمعیت است. نرخ رشد جمعیت روستایی استان در سه سرشماری اخیر از متوسط کشوری بالاتر بوده است. در سالهای ۸۵-۷۵ جمعیت مناطق روستایی استان ۲,۷۱ درصد رشد داشته، در حالی که در سطح کشور ۰,۴۹- بوده است و اکثر استان‌ها دارای رشد منفی بوده‌اند. از نکات قابل تعمق دیگر، عدم تعادل جمعیت در واحد سطح است؛ گستردگی استان و غیر قابل سکونت بودن برخی مناطق موجب شده تا تراکم نسبی جمعیت بسی کم‌تر از دیگر مناطق ایران و معدل کشور باشد. بررسی مهاجرت نیز نشان می‌دهد درصد مهاجرت روستایی در استان کمی بیشتر از متوسط کشور بوده است. از مجموع مهاجرت، ۴۳,۹ درصد از نقاط روستایی بوده و همچنین ۵۰,۴ درصد مهاجرت روستایی استان بصورت روستا شهری بوده است. شاخص مهاجرت روستا شهری در استان نسبت به کشور در وضعیت بهتری قرار دارد. درخصوص شاخص باسوادی میزان باسوادی جمعیت روستایی شش سال به بالای

<sup>۱</sup> - متوسط درآمد سالیانه هر فرد در یک جامعه است. مقدار بالاتر نشان دهنده رفاه بیشتر در جامعه است.

<sup>۲</sup> - شاخص تعیین سطح رفاه خانوار است. مقدار بیشتر نشان دهنده سطح رفاه بیشتر خانوار است.

استان ۵۱,۹ درصد و حدود ۴۰ درصد روستائیان لازم‌التعلیم بی‌سوادند. نرخ باسوادی بزرگسالان بعنوان شاخص سنجش موفقیت سیاست‌های اقتصادی، ۵۱,۹ درصد است.

جدول شماره ۵: وضعیت شاخص‌های امنیتی اجتماعی در مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان

ابعاد	شاخص	استان	میانگین کشور	رتبه کشوری
شاخص‌های جمعیتی	درصد جمعیت روستایی به کل جمعیت	۵۰,۴	۳۱,۵	۵ (-)
	نرخ رشد جمعیت روستایی	۲,۷۱	-۰,۴۴	۱ (-)
	درصد جمعیت زیر ۱۵ سال	۴۰,۲	۲۸	۱ (-)
	تراکم نسبی جمعیت (نفر در $km^2$ )	۶,۶	۱۳,۶	۲۵ (-)
مهاجرت	درصد مهاجرت جمعیت	۴۳,۹	۴۰,۲	۹ (+)
	درصد مهاجرت به شهر (درونی)	۵۰,۴	۶۶,۵	۳ (+)
سواد	درصد جمعیت باسواد	۵۹,۸	۸۱,۲	۳۰ (-)
	درصد باسوادی در افراد بالای ۱۵ سال	۵۱,۹	۷۱,۶	۳۰ (-)

(مأخذ داده‌های خام: سرشماری عمومی کشور و استان، ۱۳۸۵ و شاخص‌های کنفرانس بین‌المللی JCPD، ۱۳۸۶)

### ۳-۲-۴- وضعیت شاخص‌های امنیت محیطی در مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان

استان سیستان و بلوچستان در ابعاد محیطی نیز با پدیده‌هایی مواجه است. با توجه به موقعیت جغرافیایی، مناطق روستایی منطقه در معرض مخاطرات محیطی قرار دارد و از نظر زیست محیطی نیز با چالش‌هایی مواجه است. استان همواره با پدیده خشکسالی مواجه بوده، اما خشکسالی سال‌های ۸۳-۱۳۷۷ همراه با قطع جریان آب رودخانه هیرمند، ابعاد گسترده‌تری داشت، باعث بهم خوردن تعادل اقلیمی، مسائل اکولوژیکی و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی منطقه شد. از پیامدهای خشک شدن هامون و هیرمند، از بین رفتن منبع درآمد بسیاری از اهالی سیستان است که باعث شده بسیاری از شاغل بخش کشاورزی منطقه به مشاغل کاذب روی آوردند. آسیب‌های خشکسالی در فاصله سال‌های ۸۳-۱۳۷۷ در منطقه سیستان به شرح جدول ۸ است.

جدول شماره ۶: خسارات وارده بر مناطق روستایی منطقه سیستان در اثر پدیده خشکسالی سال‌های ۸۳-

۱۳۷۷

اثرات	بخش	میزان
مستقیم	زراعت و باغداری	۲۲۴۲۰۰۰ - میلیون ریال
	دامداری	۲۵۷۶۸۷ - میلیون ریال
	خدمات تالاب هامون شامل نیزارها، شیلات، حصیر، شکار	۲۱۴۴۹۵۷ - میلیون ریال
غیرمستقیم	افزایش جمعیت تحت پوشش کمیته امداد	۸۰ - درصد
	تخلیه آبادی	۲۳۶ - تعداد
	افزایش فعالیت‌های خدماتی بویژه قاچاق کالا و مواد سوختی	۱۰۰ - درصد

(بیک محمدی و همکاران، ۱۳۸۴)

دیگر پدیده طبیعی استان به دلیل قرارگیری بر گسل‌های مهمی نظیر سراوان، بم پشت، بیرگ خطر زلزله است که در سده اخیر شاهد زلزله‌های بزرگی نظیر زلزله ۶/۷ ریشتری سراوان در سال ۱۳۶۲، زلزله ۶/۱ ریشتری سفیدابه در

سال ۱۹۹۴ و زلزله ۵٫۱ ریشتری سال ۱۳۸۸ در سراوان بوده که خساراتی به برخی از روستاهای ناحیه وارد گردید ([www.iiees.ac.ir](http://www.iiees.ac.ir)). پدیده دیگر بادهای ۱۲۰ روزه سیستان است که زندگی ساکنین را سخت کرده، و به همراه خشکسالی پی در پی ۱۱ سال گذشته باعث شده گرد و غبار ناشی از خشک شدن هامون و جریان شن‌های روان، زندگی عادی منطقه را بیشتر مختل کرده و موجب تخریب اراضی کشاورزی و مناطق مسکونی و مشکلات بهداشتی شده است. پدیده دیگر سیل است که هر بار خسارات زیادی به بخش کالبدی، کشاورزی و دامپروری مناطق روستایی به بار آورد. سیل سال‌های ۱۹۹۱، ۱۹۹۴ و سیل ۱۳۸۹ در جنوب استان مواردی از آن است ([www.iiees.ac.ir](http://www.iiees.ac.ir)). شرایط مستعد وقوع مخاطرات طبیعی در حال است که مناطق روستایی استان از نظر اقتصادی آسیب‌پذیر بوده و از نظر کالبدی نیز براساس آمار سال ۱۳۸۵ ۷/۱ درصد از خانوارهای روستایی در واحدهای مسکونی چادر، کپر و آلونک زندگی کرده و و از واحدهای مسکونی معمولی فقط ۲۳/۴ درصد بادوام می‌باشد.

از نظر زیست محیطی نیز استان با چالش‌هایی روبه روست. حاکمیت اقلیم گرم و خشک با بارندگی کم، محدودیت منابع آبی، فقر پوشش گیاهی و... درجه آسیب‌پذیری اکوسیستم را برای بهره‌برداری بالا برده و در صورت بی‌توجهی به ظرفیت برد اکوسیستم در جذب آلاینده‌ها و فعالیت‌های مخرب، بحران‌های زیست محیطی بروز نموده و خسارات اقتصادی قابل توجهی را به جامعه بخصوص جوامع روستایی بخاطر وابستگی به محیط وارد می‌کند. مهمترین مسائل زیست محیطی انسانی آلودگی‌های ناشی از فاضلاب و زباله‌ها می‌باشد که باید بطور صحیح مدیریت شود. براساس آمار سال ۱۳۸۵ در زمینه دفع فاضلاب ۵۰/۶ درصد از واحدهای مسکونی روستایی دارای سیستم دفع فاضلاب نبوده و فاضلاب‌ها وارد محیط روستا می‌شوند و فقط در ۷/۵ درصد از روستاها زباله‌ها جمع‌آوری و دفع می‌شود و در ۹۲/۵ درصد دیگر به شیوه‌های سنتی در محل سوزانده شده و یا در محیط رها می‌شود. شاخص زیست محیطی مهم دیگر استفاده از سوخت‌های جامد است که مضراتی برای سلامتی محیط و انسان دارد. لذا مصرف سوخت‌های جامد کاهش یافته و سوخت‌های دیگری جایگزین آن شد و در حال حاضر میانگین مصرف آن در روستاهای کشور کمتر از ۵ درصد است. اما در استان هنوز ۲۰ درصد از خانوارهای روستایی استان برای پخت و پز، آب گرم و گرمایش از سوخت‌های جامد استفاده می‌کنند.

جدول ۷: وضعیت شاخص‌های محیطی - کالبدی مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان - درصد

ابعاد	شاخص	سال	استان	کشور	رتبه کشوری
مسکن	خانوارهای ساکن در واحدهای مسکونی غیرمعمول (چادر، کپر، آلونک و ...)	۱۳۸۵	۷٫۱	۱٫۴	۲ (-)
	واحدهای مسکونی بادوام		۲۳٫۴	۴۴٫۳	۲۷ (-)
بهداشت محیط	خانوار استفاده از سوخت جامد	۱۳۸۵	۱۹٫۹	۴٫۸	۲ (-)
	دفع فاضلاب واحدهای مسکونی در محیط اطراف		۵۰٫۶	۴۲٫۸	۱۵ (۱)
	روستاهای فاقد مسئول جمع‌آوری و دفع زباله	۱۳۸۷	۹۲٫۵	۷۹٫۶	۱ (-)

(ماخذ داده‌های خام: سرشماری عمومی کشور و استان، ۱۳۸۵ و سرشماری مسکن روستایی، ۱۳۸۷)

#### ۴-۲-۴- وضعیت شاخص‌های غذایی و سلامت در مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان

از مقوله‌های مهم که متأثر از توسعه اقتصادی و اجتماعی است، وضعیت سلامت جامعه است. برخی از نابرابری‌های سلامت به دلیل فقر و نابرابری‌های اجتماعی می‌باشد. مردم با سطح اقتصادی، اجتماعی پایین‌تر بیشتر

در معرض از دست دادن سلامتی هستند (Goza & et al., 2004).

بررسی سلامت نشان می‌دهد در مناطق روستایی استان معیارهای سلامت با متوسط ملی فاصله داشته و شکاف توسعه سلامت با سایر استانها بالاست. مناطق روستایی استان از نظر شاخص زاد و ولد، در رده اول کشور است، در سال ۱۳۸۵ میزان باروری کل در مناطق روستایی استان ۳،۴۴ بوده است. مسئله دیگر باروری زودرس زنان جوان (۱۹-۱۵) است که در مناطق روستایی استان ۶۲،۹ بوده و با شکاف زیاد از سایر استانها در بالاترین سطح کشور است (قبل از آن استان هرمزگان با ۴۳). نرخ مرگ و میر نیز در مناطق روستایی استان بالاست. مرگ و میر مادران باردار و نوزادان نیز بالاست، بطوریکه در سال ۱۳۸۵، میزان مرگ و میر خام ۸،۸ و کودکان کمتر از یکسال ۲۵،۲ نفر در هزار تولد زنده بوده است. دسترسی نامناسب به امکانات بهداشتی درمانی موجب شده تا زنان باردار بخصوص در سن بسیار پایین جان خود را از دست دهند و مرگ و میر نوزادان زیاد باشد.

امید به زندگی از شاخص‌های مهم توسعه سلامت است. در سال ۱۳۸۵ کمترین شاخص امید به زندگی هم در مردان و هم زنان، در استان سیستان و بلوچستان با مقادیر ۶۵،۷ و ۶۷،۵ سال دیده شده است. شاخص نسبت جمعیت ۶۰ ساله و بیشتر (درصد سالمندان) نیز از پایین بودن شاخص امید به زندگی در استان حکایت دارد؛ برحسب این شاخص در سال ۸۵ حدود ۵،۳ درصد از جمعیت روستایی استان را سالمند تشکیل می‌دهد. میزان امید به زندگی به سطوح اقتصادی و اجتماعی جامعه بستگی دارد، که نشان می‌دهد مناطق روستایی استان از نظر اقتصادی، رفاه اجتماعی، امکانات بهداشت و درمان و سواد در جایگاه پایینی قرار دارند. از نظر دسترسی به منابع آب سالم، استان یکی از استان‌های محروم کشور می‌باشد و مناطق روستایی محروم و دور از دسترس در دسترسی به آب شرب با مشکل مواجه هستند. بطوریکه در سال ۱۳۸۶ حدود ۶۷/۲ درصد از جمعیت روستایی استان به منابع آب سالم دسترسی دارند.

تأمین امنیت غذایی خانوارها از شاخص‌های مهم امنیتی است. در خصوص شاخص ناامنی غذایی در سال ۱۳۸۲ از نظر دسترسی به میزان کالری (۲۰۰۰ کیلوکالری) ۲۳/۰۱ درصد و دسترسی به پروتئین (به طور متوسط ۸۰ گرم) ۳۹/۸ درصد جمعیت روستایی مصرفی کمتر از حداقل میزان نیاز روزانه دارند و در ناامنی غذایی به سر می‌برند. پدیده خشکسالی اخیر نیز مناطق روستایی را متأثر ساخته و به استناد پژوهش صالح و مختاری (۱۳۸۶)، در سالهای ۸۰-۱۳۷۷ منجر به تنزل درآمد از بخش کشاورزی شده و در تأمین نیازهای غذایی، ۹۵/۵ درصد خانوارهای نمونه صرفاً حداقل مواد غذایی را در اختیار داشته و الگوی مصرف غذایی آنها از استاندارد کیفی برخوردار نیست.

جدول شماره ۸: وضعیت شاخص‌های سلامتی و ناامنی غذایی امنیت در مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان

۱۳۸۵

ابعاد	شاخص	سال	استان	میانگین کشور	رتبه کشوری
سلامت عمومی	میزان باروری کل	۱۳۸۵	۳،۴۴	۲،۰۹	۱ (-)
	میزان باروری جوانان ۱۵-۱۹ ساله (درصد)		۶۲،۹	۳۴	۱ (-)
	نرخ خام مرگ و میر در هزار نفر		۸،۸	۶،۸	۲۷ (-)
سلامت اجتماعی	درصد جمعیت ۶۰ ساله و بیشتر	۱۳۸۵	۵،۳	۸،۳	۳۰ (-)
	مرگ و میر کودکان زیر یکسال (در هزار تولد زنده)	۱۳۸۸	۲۵،۲	۲۴،۴	-

آب سالم	درصد جمعیت روستایی برخوردار از منابع آب سالم	۱۳۸۶	۶۷,۲	۹۰,۶۷	۳۰ (-)
نامنی	درصد عدم دسترسی به میزان کالری مورد نیاز	۱۳۸۲	۲۳,۱	۱۷,۷	۵ (-)
غذایی*	درصد افراد دارای کمبود پروتئین		۳۹,۸	۴۱,۷	۱۲ (+)

(مأخذ داده‌های خام: سرشماری کشور و استان، ۱۳۸۵، سالنامه آماری استان، ۱۳۸۸ و شاخص‌های کنفرانس بین‌المللی ICPD، ۱۳۸۶؛ \* جعفری ثانی و بخشوده، ۱۳۸۷)

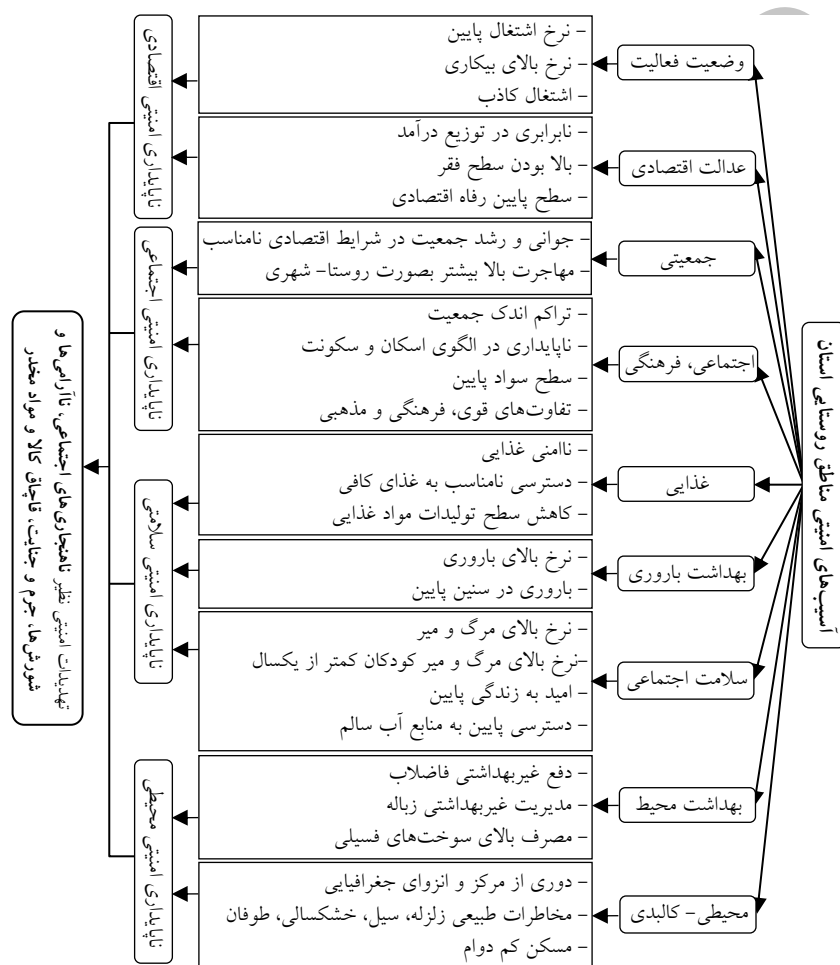
## ۵- تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری

شاخص‌های مختلف امنیتی بیانگر آن است که مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان در ابعاد امنیتی با آسیب‌پذیری و ناپایداری مواجه است و زمینه ناپایداری امنیتی وجود دارد. با تکیه بر این اصل که امنیت پایدار در چارچوب توسعه پایدار و توسعه پایدار نیز در گرو امنیت پایدار محقق می‌شود، و در صورت عدم مدیریت صحیح فرایند توسعه و ادامه چنین روندی، آسیب‌ها بتدریج شکل تهدید را به خود گرفته و زمینه عدم امنیت و ناامنی بیشتر منطقه را فراهم می‌کند. با بررسی زمینه‌های ناپایداری در منطقه و شاخص‌های امنیتی مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان مشخص شد که مناطق روستایی در ابعاد محیطی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی با آسیب‌پذیری مواجه‌اند که مشکلات متنوعی در زمینه پایداری امنیت ایجاد می‌کند.

با توجه به اینکه نیمی از جمعیت ساکن استان سیستان و بلوچستان در مناطق روستایی زندگی می‌کنند و که عدم توسعه آن مناطق تهدیدی بر امنیت منطقه است و ویژگی‌های خاص استان سیستان و بلوچستان نظیر دوری از مرکز، تفاوت‌های قومی و فرهنگی و تبادلات مرزی غیرقانونی و... لزوم توجه به امنیت پایدار در مناطق روستایی استان را نشان می‌دهد. چرا که غفلت از این امر می‌تواند زمینه ساز و تقویت کننده ناپایداری منطقه با تقویت یا ایجاد مسائلی نظیر قاچاق کالا و مواد مخدر، ناآرامی و شورش‌ها و ناامنی سیاسی و... بوده و تهدیدی علیه امنیت کل منطقه و حتی کشور نیز محسوب شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ناپایداری‌ها و آسیب‌های امنیتی مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان در عمدتاً ابعاد محیطی، اقتصادی، اجتماعی و سلامتی - تغذیه‌ای می‌باشد که در قالب شکل شماره ۴ ارائه شده است.

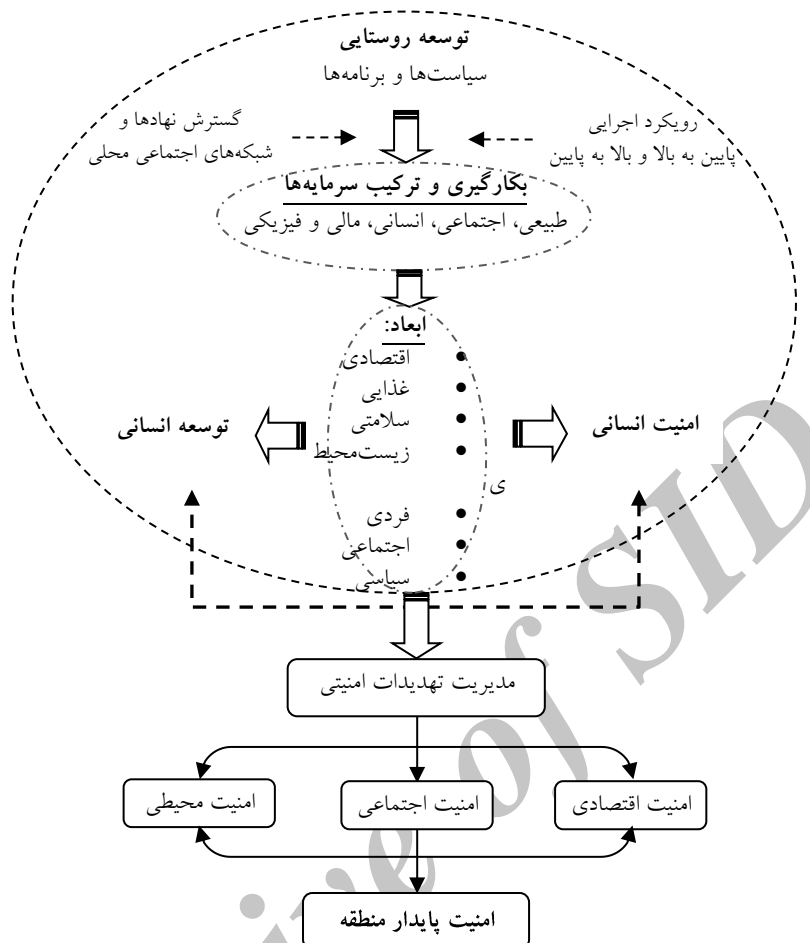
پس از گزارش توسعه انسانی سال ۱۹۹۴ «مفهوم امنیت از امنیت کشور به امنیت فردی منتقل شد. و بجای ارتباط با استفاده از سلاح، با منزلت و زندگی انسانی ارتباط یافت». چرا که مسائل مربوط به امنیت گسترده‌تر از فقط «ثبات کشور» و «چشم‌انداز نظامی» می‌باشد و فقر، کمبود غذا، زمین و تخریب جنگل، درگیری اجتماعی و قومی، و خشونت سیاسی در ناامنی و تهدید انسان سهیم هستند. امروزه دستیابی به الگوی جدیدی از توسعه پایدار و انسانی که در آن امنیت انسانی برای تمامی قشرهای جامعه، تمامی جوامع و تمامی مناطق فراهم شود، مورد توجه است. اساس این توجه بر این نکته مبتنی است که امنیت ریشه در محرومیت‌ها و نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی دارد و امنیت اجتماعی و اقتصادی را باید در توسعه سراغ گرفت نه در اسلحه. لذا توسعه روستایی موفق باید «آزادی از خواستن» و «آزادی از ترس» را تضمین نماید. توانایی فراهم کردن آزادی از ترس و آزادی از خواستن با توجه به گستره مفهوم امنیت، به توانایی برای تضمین تحقق ابعاد مختلف امنیت اقتصادی، غذایی، محیطی، سلامتی، فردی، اجتماعی و جنبه‌های سیاسی بستگی خواهد داشت. پس برنامه‌های توسعه باید نسبتاً این دو جنبه را به حساب آورند

تا در دستیابی به آزادی از ترس و آزادی از خواستن برای ایجاد امنیت انسانی و لذت بردن از ثمرات توسعه انسانی در یک محیط امن سهیم باشند و در صورتی آزادی از ترس و خواستن تضمین می‌شود که همه ابعاد امنیت را در برنامه‌ها و سیاست‌ها لحاظ شده و ابعاد امنیتی در فرایند توسعه یکپارچه شود تا هم دامنه انتخاب‌های مردم را گسترش داده و توسعه انسانی برای جوامع صورت گیرد و هم اینکه امنیت حاصل شود و جوامع روستایی بتوانند انتخاب‌هایشان را ایمن و آزادانه انجام دهند. لذا از دیدگاه نظریه توسعه و امنیت، بر سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان توسعه لازم است تا مسائل و جنبه‌های مربوط به امنیت انسانی را در سیاست‌گذاری و تدوین برنامه‌ها به حساب بیاورند.



شکل شماره ۴: ناپایداری امنیتی مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان (یافته‌های تحقیق)

در نهایت باید گفت که کاهش تهدیدات و آسیب‌پذیری ناشی از ویژگی‌های منطقه از طریق راهبرد توسعه با تأکید بر راهبرد توسعه روستایی باعث توسعه اقتصادی (کاهش فقر)، توسعه اجتماعی (بهبود وضع زندگی، کاهش مهاجرت)، توسعه محیطی (کاهش اثرات مخاطرات طبیعی) و توسعه سلامت و هم تثبیت جمعیت و پایداری سکونتگاه‌های روستایی و هم کاهش آسیب‌پذیری‌ها و زمینه‌های ایجاد کننده ناامنی شده و در نهایت به امنیت پایدار منطقه کمک می‌کند که این امر در شکل شماره ۵ ارائه شده است.



شکل شماره ۵: چارچوب مفهومی پایداری امنیتی مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان

## منابع

- ۱- احمدی‌پور، زهرا و همکاران (۱۳۸۶)، بررسی روند شتاب توسعه‌یافتگی فضاهای سیاسی - اداری کشور: مطالعه موردی، استان‌های ایران در برنامه‌های اول تا سوم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۶۸)؛ فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سوم، شماره اول، ص ۴۹ - ۲۲.
- ۲- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (۱۳۸۷)، نتایج آمارگیری ویژگی‌های مسکن روستایی کل کشور.
- ۳- بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم، دولتها، هراس؛ تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۴- بیک محمدی، حسن و همکاران (۱۳۸۴)، اثرات خشکسالی‌های ۸۳-۱۳۷۷ بر اقتصاد روستایی سیستان و راهکارهای مقابله با آن؛ مجله جغرافیا و توسعه، بهار و تابستان.
- ۵- جعفری ثانی، مریم و محمد بخشوده (۱۳۸۷)، بررسی توزیع مکانی فقر و ناامنی غذایی خانوارهای شهری و روستایی به تفکیک استانی در ایران؛ اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال شانزدهم، شماره ۶۱.
- ۶- جمعه‌پور، محمود (۱۳۸۵)، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی: دیدگاه‌ها و روش‌ها؛ تهران: سمت.



- ۷- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پایلی.
- ۸- دهنوی، مجید (۱۳۸۸)، جایگاه پدافند غیر عامل در آمایش سرزمین؛ برگرفته از سایت [www.amayesh-sabz.blogfa.com](http://www.amayesh-sabz.blogfa.com)
- ۹- راستی عمران و رحیمی، سردار محمد (۱۳۸۷)، امنیت و توسعه در غرب آسیا از منظر مدل محور- پیرامون: مطالعه موردی مناطق مرزی کشورهای ایران، افغانستان و پاکستان؛ مجموعه مقالات همایش بین المللی امنیت انسانی در غرب آسیا؛ بیرجند.
- ۱۰- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳)، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران؛ تهران: نشر قومس.
- ۱۱- رهنمایی، محمدتقی و پورموسوی، موسی (۱۳۸۵)، بررسی ناپایداریهای امنیتی کلان شهر تهران بر اساس شاخصهای توسعه پایدار شهری؛ پژوهش‌های جغرافیایی، ش ۵۷، صص ۱۹۳-۱۷۷.
- ۱۲- روحانی، حسن و همکاران (۱۳۸۹)، امنیت ملی و نظام اقتصادی ایران، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- ۱۳- صالح، ایرج و داریوش مختاری (۱۳۸۶)، پیامدهای اقتصادی و اجتماعی خشکسالی بر خانوارهای روستایی در منطقه سیستان؛ علوم ترویج و آموزش کشاورزی، شماره ۳ (۱)، صص ۱۱۴-۹۹.
- ۱۴- طالب، مهدی (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی روستایی: ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران؛ چاپ اول، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۱۵- ماندل، رابرت (۱۳۷۷)؛ چهره متغیر امنیت ملی. تهران: مرکز مطالعات راهبردی.
- ۱۶- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)، جغرافیایی سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران، انتشارات سمت.
- ۱۷- مختاری، حسین (۱۳۸۵)، تحلیل نقش تصمیم‌گیری‌های حکومتی در توسعه‌یافتگی سرزمین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۸- محمودی، علی (۱۳۸۴)؛ ساختار مبادلات بازارچه‌های مرزی و نقش آن در بازرگانی و اقتصاد مناطق مرزین، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- ۱۹- محمد پور، علی (۱۳۸۱)، بازگشایی مرزها و تأثیر آن بر مناطق مرزی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۲۰- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، نتایج کلی استان سیستان و بلوچستان.
- ۲۱- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵)، نتایج کلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور.
- ۲۲- مرکز آمار ایران (۱۳۸۷)، توزیع درآمد در خانوارهای شهری و روستایی کشور ۸۶-۱۳۷۶.
- ۲۳- مرکز آمار ایران (۱۳۸۸)، سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان.
- ۲۴- مرکز آمار ایران (۱۳۸۸)، نتایج آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای روستایی.
- ۲۵- مرکز آمار ایران، پایگاه اطلاعاتی ICPD، شاخص‌های کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه.
- ۲۶- نظریپور، محمد نقی (۱۳۷۸)، ارزشها و توسعه، تهران: انتشارات پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۲۷- عندلیب، علیرضا (۱۳۸۰)؛ نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

۲۸- هندیانی، عبدالله (۱۳۸۶)، بررسی تحولات مفهومی امنیت در محیط امنیتی؛ دانش انتظامی، سال ۹، ش ۳.

- 1- Akokpari, J. 2007. "The Political Economy of Human Insecurity in Sub-Saharan Africa". Institute of Developing Economies, Japan External Trade Organization. Visiting Research Series No.431.
- 2- Abatudu, M. 2001. "Reflections on Early 21st Century Africa". In: Adesida O., and Oteh. Eds. Africa Voices and Africa Visions. ed. Upsala: The Nordsic African Institute.
- 3- Baker, B.A., James W. (2010), Flourishing Borders, Prosperous Nationalities? A Human Security Approach to identifying the underlying cause's ethnic conflict in china; Faculty of the Graduate School of Arts and Sciences of Georgetown University.
- 4- Brauch, H., G. 2005. "Environment and Human Security: Towards Freedom from Hazard Impacts. InterSecTions No.2, Bonn: UNU-EHS.
- 5- CHS (U.N Commission on Human Security). (2003), Human Security Now: Final Report, Protecting and Empowering People. New York.
- 6- David, Wilfred I. 2004. The Humanitarian Development Paradigm: Search for Global Justice. Lanham: University Press of America, Inc.
- 7- Donaghy, G. (2003). Human security and Canadian foreign policy 1996-2000, Canadian Foreign Policy, 10(2), 39-57.
- 8- Goza F, and et al. (2004), The Relationship between socioeconomic status and mortality in Metropolitan Ohio 1999-2001, Social Biology, 51: 3-4.
- 9- Hampson, F. O. (2002). A concept in need of a global policy response. Security Dialogue, 35(3), 349-350.
- 10- Homer-Dixon, T. 1999. Environmental Scarcity and Violence. Princeton, New Jersey Princeton University Press.
- 11- Jolly R. and D. BasuRay. 2007. Human Security: National Perspectives and Global Agendas. Journal of International Development Vol. 19(4)457-472 1.
- 12- McArthur, S. (2007), Arrested Development? Critical Perspectives on the Merging of Security and Development in Canadian and Western Foreign Policy; Dalhousie University Halifax, Nova Scotia, Canada.
- 13- Najam, A. 2003. Environment, Development and Human Security: Perspectives from South Asia. Lanham, MD: University Press of America.
- 14- O'Brien K. (2007) "Shifting the Discourse: Climate Change as an Environmental Issue vs Climate Change as a Human Security Issue"; ESF Workshop on Climate Change and Human Security, Oslo, 21-23 June.
- 15- Oyoo, Edwin M. (2010), Human Security and Environmental Sustainability: The Impact of Environmental Factors on Socio-Economic Systems in the Horn of Africa; HOWARD UNIVERSITY, Washington DC.
- 16- Tickner, A. 2001. Gendering World Politics: Issues and Approaches in the Post Cold War Era. New York. Columbia University Press.
- 17- UNDP (United Nations Development Program). 1994. Human Development Report New York, Oxford University Press.
- 18- Wiafe-Amoako, Francis. (2010), HUMAN SECURITY AND CONFLICT MANAGEMENT: Post-Conflict Reconstruction in Sierra Leone 2002 to 2009, Doctor of African Studies and Research, HOWARD UNIVERSITY.
- 19- Zacarias, A. (2003), "Redefining Security." In From Cape to Congo: Southern Africa's Evolving Security Challenges. Mwesiga Baregu and Christopher Landsberg (eds.) Boulder: Lynne Rienner, Inc., 31-52.
- 20- www.iiees.ac.ir.